



۲۰۲۱/۱۱/۲۵



دوکتور م، عثمان تره کی

## تحلیل « لومانند دیپلوماتیک » از اوضاع افغانستان

ماهنامه فرانسوی « لومانند دیپلوماتیک » به ۲۲ لسان زنده دنیا نشر میشود. منبع معلومات مستند، بیطرف و دست اول برای حلقات سیاسی و دیپلوماتیک جهان شناخته شده است.

« لومانند دیپلوماتیک » در آستانه ورود طالبان به کابل بخشی از شماره ماه اکتوبر خود را به تحلیل اوضاع افغانستان اختصاص داده است. درین تحلیل به عوامل شکست امریکا و متحدین و اسباب موفقیت طالبان اشاره شده است.

ماهنامه فرانسوی قضیه افغانستان را با ضابطه های جامعه شناسی سیاسی ارزیابی دقیق میکند و سیاست غرب را در جهت متلاشی ساختن ساختار های دولتی و زمینه سازی بذر تخم نفاق و جزائر قدرت افشا مینماید.

مطالب منعکس شده در ماهنامه را برای بسیاری هموطنانی که در تلاش دریافت حقیقت در باب چند و چون معضله کشور استند، الهام بخش، آموزنده و رهنمود دهنده یافتیم. خوشوقتم که ترجمه، تلخیص، ترکیب و تنظیم چند نوشته ماهنامه را با شما شریک میسازم. م، ع، تره کی

\* \* \*

### یک محاسبه غلط :

هیچ کشوری مانند افغانستان شایستگی دریافت لقب « قبرستان امپراتوری ها » را پیدا نکرده است : مردم افغانستان در قرن ۱۹ بعد از راندن صفوی ها و مغل ها از سرزمین خود، کمر امپراتوری انگریز را شکست. در قرن ۲۰ امپراتوری شوروی را به زانو درآورد و در قرن ۲۱ امریکای مغرور را مثنواری و فراری ساخت.

امروز ائتلاف نظامی بین المللی ذائقه تلخ کج اندیشی های خود را مزه میکند. برخورد غیر واقعینانه به قضیه افغانستان را باید بدرجه اول محصول اشتباهات گروپ های تحقیق و تحلیل چون اهل پوهنتون، اونجی های افغانی و خارجی و تصدی های خصوصی قیاس کرد. تحقیق و تحلیل این مراجع موجب زمینه سازی یک انتروپولوژی ( مردم شناسی ) تخیلی گردید که طی آن چنین الفاح شد که جامعه افغانی منطقه گرا و مخالف حضور اتوریته دولتی است. در راپور ها، مقالات، رسالات و حتی خطابه های رسمی، ذهنیت مخالفت کلتوری افغان ها با کابل ( مرکزیت قدرت ) تبلیغ میشود. این در حالیکه شواهد و اسناد تاریخی (ایستوریوگرافی) جدید معکوس آنرا به اثبات میرساند.

در سال ۲۰۰۹ جنرال « مک کریستال » باری که به حیث قوماندان قوای ائتلاف غربی گماشته شد، گفت : « در افغانستان تاریخ، کتله های مردم را با هویت قبیله‌ای و قومی پیوند میدهد. این چیزی است که میتواند جاذبه استقرار یک دولت مرکزی را کاهش بدهد.

کلیه اقوام به شمول پشتون ها به شیوه سنتی در تلاش تأمین استقلال خود از مرکزیت حکومت استند ».

با این طرز تفکر بسیاری ماهرین و اهل خبره ترجیح میدادند تا در سطح محلی طرف یک مرجع « قابل دسترسی»، « مشروع » و « طبیعی » قرار بگیرند تا یک دولت « دور دست »، فاقد « مشروعیت » و نهایتاً « مصنوعی » به تدریج این ذهنیت مسلط شد که منطقه و محل، ضمانت داشتن مناسبات خودمانی و شخصی را با مردم فراهم میسازد. در حالیکه منطق خشک بوروکراتیک چنین چانسی را میسر نمیگردانید. در نتیجه موسسات متکفل انکشاف اقتصادی مانند نظامیان تلاش میکردند در انجام کار های محوله دولت بر حال را دور بزنند.

منطق محل گرایی نزد خارجیان عطف توجه به سوی مجلس های کوچک ( جرگه، شورا ) را مشروعیت میبخشید. این ساختار ها در حالیکه توسط موسساتی که متکفل توزیع کمک های بین المللی بودند ایجاد شده بود، بعنوان پدیده های تعاملی معرفی میگردد : شورای قریه که به قصد تطبیق پروگرام ملی همبستگی بانک جهانی ایجاد شده بود نمونه خوب در زمینه است.

برداشت غربیان از منطقه گرایی جامعه افغانی موجب قومی شدن سیاست های عامه گردید : مثلاً به ارزش های تعاملی پشتون ها در مورد ازدواج و میراث به منظور به حاشیه کشیدن حقوق مدون توجه صورت گرفت. توجه به مدعیات قومی - ملی از یک ها، هزاره ها و تاجک ها موجب گردید پست های حکومتی به دسترس شان گذاشته شود و زمینه ثروت اندوزی فراهم گردد.

خلاصه افغانستان کشور قبیله محور ( دیدگاه مستشرقین که از متون اتنوگرافیک دوران استعمار تغذیه میکرد ) به جهان معرفی شد. در واقع یک انتروپولوژی ( مردم شناسی ) مصنوعی و کاذب در خدمت جنگ قرار گرفت : « ساختار های امنیت ملی به قصد دوام جنگ در مناطق قبایلی میباید از ضابطه همین ( دسپلین مصنوعی و اختراع شده ) شبه انتروپولوژی تبعیت میکرد.

## دخالت ویرانگر در منازعات محلی :

« مونت گومری مکفات » در ۲۰۰۶ م سمت مشاور علمی کمیته روسای لوی درستیز های ائتلاف نظامی بین المللی را به عهده داشت. نامبرده یک رساله ضد شورش را نوشت که طی آن از دخالت نظامیان امریکایی در منازعات اجتماعی به قصد دریافت متحدین و جمع آوری اطلاعات صحبت شده بود. مونت گومری به نظامیان توصیه میکرد : « به سوی مردم محل بروید نه در جهت مخالف. در آغاز اعتماد چند قریه را کمایی کنید. بعداً با کسانی کار کنید که مردم قریه با آنها تجارت، ازدواج و سایر معاملات را انجام میدهند. با بکارگیری این تکنیک میتوانید متحدین محلی دریافت نمائید. مردم را به تپش و حرکت بیاندازید و شبکه مطمئن اعتماد ایجاد کنید ».

دگروال « جیم گانت » که در سال ۲۰۰۳ قوماندانی قوای خاص امریکا در کنر را بدوش داشت در رابطه به حل یک منازعه زمین چنین حکایت میکند : « مردم کوهستان زمین هائی را که متعلق به باشندگان قریه دامنه کوه بود غصب و زرع کرده بودند. ملک قریه بمن گفت که زمین سالیان قبل از طرف پادشاه افغانستان به قبیله وی اعطا شده است. ملک اسناد مربوط را نشان داد. بوی گفتم قول و قرار خودت کفایت میکند و ضرورت به ارائه سند نیست. به ملک از حمایت خود اطمینان دادم و بوی گفتم من و سپاهیان تحت فرمان میرویم تا با طرف دعوی شما صحبت کنیم. اگر طرف

مقابل آماده برای استرداد زمین ها نشد حاضریم در کنار شما با وی بجنگیم». دگروال جیم گانت به دوام صحبت خود از چگونگی حل منازعه حرفی نمیزند. صرفاً میگوید که معضله حل گردید و وی موفق شد که دوست خود را در استرداد زمین هایش کمک کند.

## زمینه سازی جنگ قومی :

بیکفایتی نظامیان امریکایی در مستند سازی معلومات جمع آوری شده زمینه را مساعد میساخت تا بسیاری از افغان ها از نظامیان امریکایی به مثابه یک افزار سهل الاستعمال برای حذف یک خیشاوند مزاحم در قضیه وراثت، یک همسایه جنجالی در منازعه زمین یا یک رقیب سیاسی بهره برداری کنند. شمار زیاد کسانی که توقیف یا کشته شده اند به دلیل وابستگی به شورشیان طالب نبوده اند. قتل های رایگان و بدون شناخت از شورشی و غیر شورشی مبنای تغذیه رقابت های شخصی، خانوادگی و قومی گردید.

در سال ۲۰۰۳ بعد از حمله طالبان به پایگاه نظامی امریکا واقع دره گنجگال ولایت کنر، نظامیان امریکا معلوماتی بدست آوردند حاکی از مسئولیت عبدالولی یکی از مشران شینوار در قضیه. فضل اکبر والی کنر با متهم آشنایی داشت. در ۲۱ جون ۲۰۰۳ متهم به مشوره والی کنر با پسر والی به پایگاه نظامی امریکا حاضر شد. نامبرده در اولین فرصت توقیف گردید. چند روز بعد والی اطلاع دریافت کرد که متهم بدنبال شکنجه توسط یک قراردادی سی، آی، ای بنام « داوید پاسارو» در جریان استنطاق کشته شده است. وفات متهم در اعلام رسمی سخته قلبی وانمود گردید. اقارب متوفی بدون درنگ « محمود میران » قوماندان قوم سالارزی را که با « ولی » دشمنی شخصی داشت مسئول ارائه راپور غلط به نظامیان امریکایی شناختند. خون بها ماهیت دشمنی را تغییر داد. مشران شینواری به قصد انتقام، منسوبین قبيله سالارزی را که با طالبان نزدیک بودند، متهم به حمله بر پایگاه ساختند. سی، آی، ای همه مظنونین را توقیف کرد.

در ۲۰۰۷ « پاسارو» توسط محکمه فدرال امریکا به اتهام شکنجه و قتل به ۸ سال حبس محکوم شد. اما در کنر تشنج به جا ماند : رقابت میان ولی و میران انگیزه دشمنی میان شبکه قوماندانان شینوار و سالارزی گردید و اینهمه زمینه ساز نا امنی دامنه دار و دایمی در ولایت شد.

## تضعیف اتوریته دولت :

موسسات خارجی کمک کننده که موظف به حمایت دولت بودند، برخلاف بصورت سیستماتیک در جهت تضعیف اتوریته دولتی تلاش میکردند : بعضاً قوانین بالوسيله حکومت های غربی تنظیم میشد و اجرای آنها به رئیس جمهور محول مینمودند. رئیس جمهور با استفاده از یکی از احکام قانون اساسی، قانون را در زمان رخصتی پارلمان نافذ میکرد.

امریکا در ساحه امنیت مشی دو گانه داشت : به موازات توجه به قوای مسلح، پولیس و استخبارات به گروه های مختلف مسلح غیر دولتی نیز اتکا میکرد: اربکی (ملیشیا) های تحت اداره مستقیم سی، آی، ای و مجاهدینی که با قوای شوروی جنگیده بودند ( برخی بحیث والی مقرر شدند ) ، افزار مقابله امریکا بر ضد القاعده و بعداً طالبان شناخته شدند.

از سال ۲۰۱۱ م به بعد که امریکا برای خروج قوای خود آمادگی میگرفت، تشکیل ملیشیا ها به قصد مقابله با پیشروی شورشیان در کنر، وردک، کندهار و لوی پکتیا در محراق ستراتژی جنگی قرار گرفت.

## نقش ترجمانان :

متحدین افغان امریکا در جنگ وسیله جلب و جذب ترجمانان و زمینه ساز حملات قوای خاص بر دهکده ها و بمباردمان طیارات بدون سرنشین امریکا بودند. در شرایطی که امریکائیان زبان محل را بلد نبودند و به رسم و رواج محیط آشنایی نداشتند، گروه های همکار با امریکا در موقعیت خوب برای استعمال قوای امریکایی برای از پا درآوردن رقبای خود قرار گرفتند. به مخالفین اتهام شورش بستند و به سهولت آنها را از صحنه حذف نمودند.

زیاده روی و بی نظمی ناشی از مداخلات گروه های همکار با امریکا، آتش منازعات قومی را مشتعل نگاه داشت، دامنه باندتیزم ( لندغرتوب) را توسعه بخشید و اعتبار و مشروعیت موسسات دولتی و حکومتی را نزد مردم زیر سوال برد.

« باقی دارد »



برای مطالب دیگر دوکتور م، عثمان تره کی روی عکس کلیک کنید

